

آقای فیلمساز این بار صریح‌تر و به دور از زبان هنر و سینما پیام عناد با ارزش‌های الهی و کینه نسبت به نظام دینی را رو به معاندین داخلی و خارجی فرستاده است.

در یادداشت روزنامه کیهان عنوان شد؛



این فرد در آبان در فضای مجازی بیانیه‌ای منتشر کرد. چیزی که با استقبال رسانه‌های ضدایرانی فارسی زبان داخلی و خارجی روبه‌رو شد.

به گزارش اسپادانا خبر، روزنامه کیهان در یادداشتی در مورد اصغر فرهادی، فیلمساز ایرانی نوشته است:

این بیانیه که سست از حیث استدلال و لقی از بعد ادبی، گواه روشنی بر مرزبندی ذاتی طیف هدف، با ارزش‌های اسلامی و انقلابی و ایرانی بود، چند نکته اساسی را به نمایش گذاشت:

اول اینکه آقای فیلمساز یک بار دیگر اما این بار صریح‌تر و به دور از زبان هنر و سینما، پیام عناد با ارزش‌های الهی و کینه نسبت به نظام دینی را رو به معاندین داخلی و خارجی فرستاده است. این یعنی محکم کردن ریسمان پیوند خود با معاندان. از این رو این پرسش مطرح می‌شود که آیا او به تاریخ انقضای بازیگری یا ابزار بودن خود برای اراده‌های معاندان پی برده است؟ کم نبوده‌اند امثال او که پس از مدتی به دلیل از دست دادن جذابیت، به انزوا رانده شده‌اند و دیگر نامی و یادی از آنها در کار نیست!... این یک نکته اساسی.

دوم: در این بیانیه آقای فیلمساز اتهاماتی به نظام دینی نسبت می‌دهد و در نهایت- با سطحی تلقی کردن مخاطب- به حمایت خود از مردم تاکید می‌کند. او در واقع، اتهاماتی را به نام نظام دینی الصاق می‌کند که در قالب عمل مجرمانه برشده معاندین است. به طور مثال؛ بانی و عامل تحریم دارویی ایران، جمهوری اسلامی است یا دشمنان جمهوری اسلامی؟

سوم: آقای فیلمساز ناشیانه تضاد مثنی و ادعای خود را به نمایش می‌گذارد. اگر آقای فیلمساز نگران مردم ایران و آزرده از جنایت در حق مردم ایران است چرا نسبت به سرنگون شدن هواپیمای ایرباس ایرانی در 12 تیر سال 1367 زبان در قفا کرده است؟ چرا درباره هشت سال دفاع مقدس دیدگاهی منتشر نمی‌کند؟ اگر مسئله او انسانیت است چرا درباره قتل عام مردم بی‌دفاع سوریه و افغانستان و کودکان یمنی و... کلامی نگفته و نمی‌گوید؟... جالب است... ایشان چشم بسته است و انگار که هیچ روی نداده است و روی نمی‌دهد البته آقای فیلمساز نباید هم در بیانیه خود و غیر از آن پیرامون دشمنان واقعی ایران و ایرانی سخن بگوید. باید هم جنایتهای استکباریون را در نقاط مختلف دنیا نبیند چون در غیر این صورت تمام راه‌ها برای درخشش مصنوعی وی در جشنواره‌های رنگارنگ سیاسی دنیا بسته می‌شود.

چهارم: آقای فیلمساز در بیانیه خود منت گذاشته که در ایران فیلم می‌سازد و در ایران زندگی می‌کند در حالی که می‌تواند در هر کجای دنیا ساکن شود و روزگار سپری کند. بله ایشان می‌تواند اما این را هم می‌داند که به گفته ای: «او فرار نیست در ایران زندگی نکند و فیلم بسازد و جایزه بگیرد. او باید در ایران بماند، به رغم ادعای غیر سیاسی بودن؛ حرف سیاسی و شبه سیاسی بزند و جایزه بگیرد.» زیرا تنها به شرط در ایران ماندن و در فضای جامعه ایرانی نفس کشیدن است که می‌توان به داشتن مخاطب ایرانی و مهندسی اذهان ایرانی - اگرچه ساده لوحانه-دل بست. ضمن اینکه «بالیدن به زندگی در ایران و در ایران فیلم ساختن» برای کسی که به دور از باورها و خواست ایرانیان و با پول کمپانی خارجی و جایزه نقدی اتحادیه اروپا فیلم می‌سازد، مضحک و مجال سخریه و نیشخند است.

پا توجه بدان چه گفته ش بیانیه آقای فیلمساز نه نشانه اقتدار و ثبات هنری و استحکام محبوبیت او در خارجه بلکه نمایانگر آشفتگی ذهنی اوست. اوپی که طبعاً دوست ندارد اعتنای فرامرزی را از دست بدهد و در مقام یک ورشکسته هنری بی وطن،

ظاهر و باور شود. اگر چه ورشکستگی، بارز و غیرقابل کتمان است.

برچسب ها: [سینما](#) [1]

[حسین شریعتمداری](#) [2]